

کاربست مفهوم پارادایلماسی برای تقویت همکاری‌های منطقه آزاد اروند و منطقه آزاد خور الزبیر

زیاد احمد عبدالله - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر مصطفی قادری حاجت* - دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر زهرا احمدی پور - استاد تمام جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر ابراهیم رومینا - دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

چکیده

مناطق مرزی ایران و عراق به‌رغم برخورداری از پیوندهای عمیق تاریخی، تمدنی و فرهنگی-اجتماعی و همچنین اشتراک در فرصت‌ها و تهدیدهای امنیتی و اقتصادی، در جریان جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران خسارات گسترده‌ای را تجربه کرده‌اند. در شرایط کنونی، مفهوم «پارادایلماسی» به‌عنوان رویکردی نوین در جغرافیای سیاسی، با تأکید بر نقش‌آفرینی حکومت‌های محلی و پیونددهی منافع مشترک امنیتی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی، به یکی از ابزارهای مهم توسعه و همگرایی مناطق مرزی تبدیل شده است. بر این اساس، فرضیه پژوهش حاضر آن است که به دلیل پیوستگی‌های تاریخی-تمدنی، فرهنگی-اجتماعی، وجود منافع اقتصادی مشترک و همچنین تهدیدات امنیتی مشابه، مناطق مرزی ایران و عراق واجد ظرفیت‌های لازم برای پیاده‌سازی الگوی پارادایلماسی هستند و می‌توان از این رویکرد برای ارتقای روابط میان منطقه آزاد اروند در ایران و مناطق آزاد استان بصره عراق، به‌ویژه منطقه آزاد خورالزبیر، بهره گرفت. روش پژوهش مورد استفاده، روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: ایران، عراق، منطقه آزاد اروند، منطقه آزاد خورالزبیر، پارادایلماسی.

۱. مقدمه

امروزه یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مطالعاتی در حوزه جغرافیای سیاسی موضوع مرز و مدیریت بهینه آن است. تاکنون تحقیقات در ارتباط با مسائل و مشکلات مربوط به این مناطق انجام، و شیوه‌های نوینی نیز برای این امر معرفی شده که دلیل آن اهمیت و حساسیت موضوع و جایگاه مناطق مرزی در حفظ امنیت یک کشور و در تعامل آن با همسایگان است. مرزها و مناطق مرزی هم می‌توانند منشأ امنیت یک نظام باشند و نیز همان‌طور که در الگوی پاتینکا پیتر هاگت می‌خوانیم می‌تواند محلی برای شروع و تداوم نزاع‌ها و مخاصمات باشند. اگر مناطق مرزی، کانون تنش‌ها باشند، ساکنین مناطق مرزی اولین و اصلی‌ترین قربانی آن تنش‌ها خواهند بود و چنانچه، مرزهای دو کشور، مرزهای صلح، ثبات، تجارت و تبادل فرهنگی باشند، باز این ساکنان مناطق مرزی خواهند بود که آن شرایط را زندگی خواهند کرد. از این منظر است که الگوی حکمرانی در مناطق مرزی و راهبردهای مدیریت آنها، اهمیت می‌یابند. امروزه پارادایلماسی و راهبردهای آن به عنوان یکی از روش‌های نوین در مدیریت مناطق مرزی بکار گرفته می‌شود. پارادایلماسی چند استدلال عمده توجیهی دارد. استدلال نخست این است که مناطق مرزی و ساکنان آنها قربانیان اصلی جنگ‌ها بوده و در نتیجه انگیزه بیشتری برای بهبود روابط فی‌مابین دارند. کما آنکه پژوهش‌ها نشان می‌دهد نبود آگاهی از پیامدهای جنگ همیشه موجب شده تا حتی در نظام‌های دموکراتیک، مردم به احزاب و شخصیت‌های جنگ‌طلب رای داده و آنها را روی کار بیاورند. در نتیجه تمرکز بر روی شهرها و ساکنان آنها هم می‌تواند رفاه و امنیت را به ارمغان آورده و در نهایت نیز به تحکیم روابط کشورها منتهی شود. ثانیاً، دولت‌ها در شرایط پیچیده و بهم تنیده نظام بین‌الملل به تنهایی توانایی مدیریت تمام مسائل را ندارند. از این منظر است که دولت‌های ملی در چارچوب ایجاد مناطق آزاد، حکومت‌های محلی، و سازمان‌های مردم نهاد اجازه می‌دهند که این بازیگران برای حل مشکلات و معضلات بهم پیوسته ایفای نقش کند. این مباحث در این پژوهش، تحت عنوان روابط بین‌الملل مناطق آزاد معرفی خواهند شد. از این زاویه دید، اگر بخواهیم به مناسبات ایران و عراق نگاه کنیم، دو کشور طولانی‌ترین مرز خاکی را با یکدیگر دارند. سابقه جنگ و نزاع و ریشه‌های آن میان این دو قوی بوده و سرچشمه‌های آن به قوت باقی مانده‌اند از سوی دیگر، هرگونه تحولی در مناطق مرزی یکدیگر به سرعت تاثیر

سلبی یا ایجابی را بر آن سوی مرز می‌گذارد. از این رهگذر، وجوب داشتن راهبرد پارادایپلماتیک برای اداره مناطق مرزی به وضوح روشن می‌شود اما اینکه این راهبرد چگونه باید باشد، مساله پژوهش حاضر است.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص پارادایپلماسی از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه‌ی قابل توجهی وجود ندارد. اگرچه در خصوص بکارگیری رهیافت پارادایپلماسی برای ارتقای مناسبات مناطق مرزی پژوهش‌هایی صورت گرفته که در جدول زیر به برخی از آنها که در برخی جنبه‌ها به این پژوهش نزدیک‌تر بودند، اشاره شده است:

ساعی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با موضوع پارادایپلماسی فرهنگی، خصیصه‌های فرهنگی ایران از جمله تنوع قومی-زبانی، دین، هنر و معماری را به بررسی گذاشته و معتقدند مبتنی بر این مشترکات فرهنگی، ایران با کنشگری نهادهای محلی، استانداری‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علمی می‌تواند راهبردی پارادایپلماتیک فرهنگی خود را تعریف کرده و برای توسعه مناسبات به خدمت گیرد (Sa'i, 2021).

مومنی و رحیمی (۱۳۹۵)، ضمن ارائه تعریفی اولیه از مفهوم پارادایپلماسی تلاش کرده‌اند آن را برای ارتقای روابط مناطق مرزی استان آذربایجان غربی بکار گیرند. آنها در واقع از طریق این پژوهش به این سوال پاسخ داده‌اند که آیا رهیافت پارادایپلماسی می‌تواند بر حل و فصل اختلافات کشورها و گسترش روابط تاثیر داشته باشد؟ مومنی و رحیمی در تعریف اولیه خود از پارادایپلماسی می‌نویسند که پارادایپلماسی از نظر چستی به این موضوع می‌پردازد که چه چیزی می‌تواند ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه نهادها و کنشگران فروملی در عرصه بین‌المللی را در راستای تحقق اهداف و منافع ملی به بالفعل تبدیل کند. این چالش مفهومی ناشی از آن است که نظم موجود نظام بین‌الملل، دولت‌ها را بازیگران این نظم معرفی کرده و کنشگر فروملی را بازیگران این عرصه نمی‌داند. زیرا همچنان در اغلب رهیافت‌های نظری، دولت‌ها دارای حق منحصر به فرد حاکمیت بوده و معاهدات خارجی تنها با تائید دولت‌های ملی رسمیت می‌یابند (Momeni and Rahimi, 2016:63).

صوری اناری (۱۴۰۱) در مقاله با موضوع کاربرست پارادایلماسی در سیاست همسایگی با قفقاز جنوبی، به صورت کاربردی مفهوم پارادایلماسی و نسبت آن را با سیاست همسایگی مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهد و می‌نویسد که «سیاست همسایگی» متفاوت از «روابط همسایگی» و نوعی جهت‌گیری در سیاست خارجی یک کشور است که با برتری دادن به روابط و تعامل با همسایگان، به دنبال بیشینه‌سازی فرصت‌ها و کمینه‌سازی تهدیدهای جغرافیای همسایگی است. از این‌رو، ایران نیازمند تعریف استراتژی پارادایلماسی برای استان‌های خود است (Souri, 2022).

دهشیری (۱۳۹۲) در پژوهشی در خصوص پارادایلماسی، جهانی‌شدن و تولد بازیگران فروملی مانند شهرها را جزء الزاماتی معرفی کرده که نیازمند دیپلماسی غیراز دیپلماسی رسمی است. براساس این پژوهش، به موازات کمرنگ شدن نقش دولت‌ها و گسترش پدیده جهانی‌شدن، بازیگران فروملی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی پذیرای نقش‌هایی شده‌اند که پیش از این بر عهده نداشتند. تا آنجا که بازیگران فروملی در عرصه تعاملات خارجی نیز وارد شده و ابزارهای خاص خود را برای تأثیرگذاری بر تعاملات فرامرزی تعریف کرده‌اند. این نقش، امروزه ذیل مفهوم پارادایلماسی تبیین می‌شود (Dehshiri, 2014). در واقع، بازیگران محلی با نظام‌مند کردن نقش خود در عرصه مناسبات خارجی تلاش دارند از رهگذر بکارگیری فعالانه ابزارهای پارادایلماسی، ضمن اینکه از تنگناهای پیش روی خود بکاهند و از فرصت‌های موجود برای تأثیرگذاری بر نظام بین‌الملل نیز بهره‌گیرند. در این رهگذر، تحولات و فرآیندهای نظام بین‌الملل مانند جهانی‌شدن، ظهور چالش‌های مرزی و غیره فرصتی مناسب را برای نقش‌آفرینی بازیگران محلی فراهم آورده است.

۳. روش پژوهش

ماهیت این پژوهش توصیفی تحلیلی بوده و براساس هدف، کاربردی-توسعه‌ای است و با تکیه بر مفاهیمی مانند دیپلماسی موازی/پارادایلماسی و گزاره‌هایی که این مفهوم در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد در تلاش است در گام نخست، علایق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی دو منطقه آزاد اروند در استان خوزستان و خورالزبیر در استان بصره را شناسایی کرده و سپس راهبردهایی برای تعامل

با این علایق و نگرانی‌ها پیشنهاد دهد. داده‌های این پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند.

۴. چارچوب نظری

این مفهوم نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی زمانی که برخی مناطق و شهرها در اروپا و آمریکای شمالی شروع به ایجاد روابط مستقل با سایر کشورها کردند، مطرح شد. ایالت کاتالونیای اسپانیا و استان کبک کانادا از پیشگامان اینگونه تعاملات معرفی می‌شوند. این دو بازیگر فروملی بواسطه انعقاد چندین توافق‌نامه در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی، تلاش کردند روابط مستقلی را با بازیگران رسمی نظام بین‌الملل برقرار کنند. پارادایپلماسی^۱ به فعالیت‌های بین‌المللی مناطق، ایالت‌ها، شهرها و نهادهای غیردولتی در جهت تأمین منافع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود گفته می‌شود. این مفهوم به نقش بازیگران غیردولتی در دیپلماسی و روابط بین‌الملل اشاره دارد که در کنار دیپلماسی سنتی که توسط دولت‌ها انجام می‌شود، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. پارادایپلماسی یکی از انواع جدید دیپلماسی است. در حالی که دیپلماسی در گذشته تنها در انحصار دولت‌های مرکزی بود، در عصر کنونی طیف گسترده‌ای از کنشگران فروملی در آن نقش ایفا می‌کنند. واحدهای سیاسی مانند استان‌ها و حتی شهرها، مهم‌ترین بازیگران پارادایپلماسی محسوب می‌شوند. درک شرایط امروز جهان ایجاب می‌کند که منافع ملی کشورها فقط از منظر دیپلماسی رسمی تعریف نشود و مؤلفه‌های نظیر دیپلماسی شهری، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، هویت تاریخی، فرهنگی و اقتصادی نیز به عنوان سایر ابعاد ارتقای سطح منافع ملی و پیشبرد سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرند (Dehshiri, 2014: 3-4).

پارادایپلماسی یا دیپلماسی موازی، به معنای نقش‌آفرینی هویت‌های فراملی در عرصه سیاست خارجی و مشارکت آنان، مستقل از حکومت مرکزی در عرصه روابط بین‌الملل، از اهمیتی فزاینده در عصر جهانی‌شدن برخوردار شده است. از آن‌رو که با توجه به فرسایش حاکمیت‌ها و کم‌رنگ شدن مرزها، حدود و حیطه اختیارات حکومت‌های مرکزی در حال کاهش و کارکرد

1. Para Diplomacy

حکومت‌های محلی در حال افزایش است. در چنین فضایی در حکمرانی جهانی مبتنی بر حاکمیت چندسطحی، چندگانه و چندلایه، مشارکت بازیگران فروملی از جمله شهرها در چارچوب دیپلماسی شهری رو به افزایش است (Dehshiri, 2014:2).

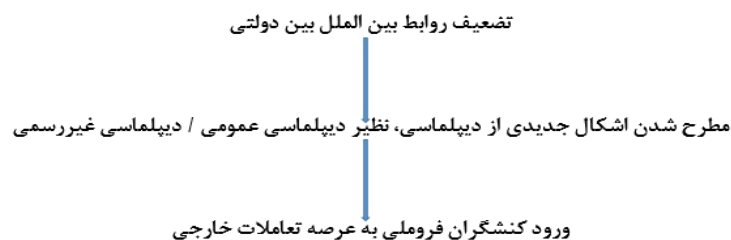
۴-۱. دلایل اهمیت پارادیپلماسی در تعاملات فرامرزی

امروزه با جهانی‌شدن^۱ و افزایش ارتباطات بین مناطق مختلف، پارادیپلماسی به یکی از ابزارهای کلیدی برای توسعه اقتصادی و سیاسی کشورها تبدیل شده است. مهم‌ترین دلایل اهمیت آن عبارتند از:

- افزایش نقش بازیگران غیردولتی در سیاست بین‌الملل: با کاهش قدرت دولت‌های مرکزی در برخی کشورها، استان‌ها و مناطق خودمختار به عنوان بازیگران جدید دیپلماسی وارد عمل شده‌اند.
- توسعه اقتصادی مناطق محلی و مرزی: بسیاری از مناطق مرزی، مانند منطقه آزاد اروند و منطقه آزاد خور الزبیر در استان بصره، برای رشد اقتصادی نیازمند روابط تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک هستند که پارادیپلماسی می‌تواند این روند را تسهیل کند.
- کاهش تنش‌های سیاسی و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای: روابط مستقیم میان مناطق مختلف می‌تواند موجب کاهش تنش‌های سیاسی بین دولت‌ها شود. برای مثال، همکاری اقتصادی میان شهرهای ایران و عراق حتی در شرایط تحریم‌ها نیز به افزایش روابط تجاری منجر شده است.
- تقویت دیپلماسی عمومی^۲: مناطق مختلف با استفاده از ابزارهایی مانند فرهنگ، آموزش و گردشگری می‌توانند تصویر مثبتی از خود در عرصه بین‌الملل ارائه دهند. اما روندهایی مانند جهانی‌شدن و تضعیف حاکمیت ملی، تولد پارادیپلماسی و سرایت آن را تسهیل کرده‌اند. شکل (۱) به وضوح این وضعیت را به تصویر می‌کشد:

1. Globalization

2. Public Diplomacy



شکل (۱): تولد بازیگران فروملی

نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که دیپلماسی شهری ذیل عنوان کلی پارادایپلماسی مطرح شده و در اینجا ضروری است توضیح داده شود که دیپلماسی شهری به تعاملات بین شهری مناطق مرزی و مدیران و نهادهای شهری اختصاص دارد حال آنکه، مناطق مرزی با توجه به رشد روزافزون مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی ممکن است در قامت این واحدهای نوظهور بازتعریف شوند لذا پارادایپلماسی به عنوان مفهومی که همه کنشگران فروملی اعم از شهرها و نهادها شهری را در بر می‌گیرد توان تبیینی بیشتری در مورد نمونه مطالعاتی پژوهش حاضر یعنی مناسبات منطقه آزاد اروند و استان بصره نسبت به دیپلماسی شهری دارد که تنها متمرکز بر مناسبات شهری است.

۴-۲. انواع پارادایپلماسی

پارادایپلماسی در قالب‌های مختلفی انجام می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- **پارادایپلماسی سیاسی:** در عرصه سیاسی، پارادایپلماسی علاوه بر نمایندگی دولت و حکومت در خارج از مرزها و تقویت روابط دوجانبه، توانایی افزایش همکاری بین نهادهای داخلی در سراسر مرزها را دارد. این امر، روابط دوجانبه سودمند را ترویج و به مناطق اجازه می‌دهد تا به طور جمعی به چالش‌های مشترک، صرف‌نظر از مرزهای ملی رسیدگی کنند. پارادایپلماسی به طور بالقوه می‌تواند روابط کنونی در عرصه سیاست را بهبود ببخشد. نزدیک کردن منافع کنشگران خرد با یکدیگر و با کنشگران کلان یعنی دولت‌های مرکزی نه تنها موجب بهبود امر حکمرانی به طور کلی شده بلکه می‌تواند تقویت وحدت ملی و کاهش تنش‌ها و اختلافات داخلی را نیز به همراه داشته باشد. در واقع، پارادایپلماسی به کنشگران فروملی برای ایفای نقش

در سیاست خارجی هویت می‌بخشد و این هویت بخشی بر سطح همبستگی با دولت تاثیر مثبت خواهد شد (Khaleghinejad et al, 2010).

- **پارادایلماسی اقتصادی:** همانگونه که در گفتار مربوطه اشاره شد امروز دیپلماسی اقتصادی، ابزاری تاثیرگذار در سیاست خارجی دولت‌هاست. به موازات دولت‌ها امروز حکومت‌های محلی و دیگر واحدهایی که به نمایندگی از دولت‌ها اجازه ورود به تعاملات خارجی را می‌یابند مانند مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی نیز پارادایلماسی اقتصادی خاص خود را برای توسعه و تحکیم روابط اقتصادی تعریف و پیگیری می‌کنند (Khaleghinejad et al, 2010: 52). موضوع دیگر اینکه، پارادایلماسی اغلب به عنوان ابزاری برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقای تجارت دیده می‌شود، اما پتانسیل آن برای تقویت تاب‌آوری اقتصادی در مناطق مرزی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با استفاده از رویکردهای پارادایلماتیک، مناطق مرزی می‌توانند روابط اقتصادی و فرهنگی خود را با مناطق همسایه در کشورهای دیگر تقویت کرده و شبکه‌هایی ایجاد کنند که در برابر شوک‌های اقتصادی مقاوم‌تر باشند.

- **پارادایلماسی فرهنگی و آموزشی:** پارادایلماسی فرهنگی، یکی از اشکال پارادایلماسی بوده که از طریق ارتباطات فرهنگی بازیگران فروملی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی در عرصه روابط بین‌الملل و نه روابط بین‌الدول اشاره دارد. پارادایلماسی فرهنگی، بواسطه تبادلات فرهنگی و تاکید بر مشترکات انسانی هنر، زبان، ارزش‌ها و ویژگی‌های اجتماعی که در مجموع فرهنگ و تمدن یک جامعه را تشکیل می‌دهند، تلاش دارد پیوندهای اجتماعی را افزایش داده، توسعه اجتماعی را تقویت کرده و در این راستا از سطح تخصصات به طور خاص در مناطق مرزی دو کشور که محل تماس جوامع دو کشور بوده، بکاهد. کارکرد دیگر پارادایلماسی فرهنگی، افزایش قدرت و نفوذ کشور است. از این منظر، در شرایطی که عصر جدید، عصر قدرت نرم و فرهنگی است هر کشور بتواند در کشور هدف نفوذ فرهنگی بیابد صاحب قدرت در آن کشور بوده و می‌تواند از طریق تاثیرگذاری بر جامعه هدف، دولت مقابل را در جهت اهداف خود تحت فشار قرار دهد (Sa'I et al, 2010: 121).

- **پارادایپلماسی محیط‌زیستی^۱:** شکی نیست که امروز مسائل زیست‌محیطی یکی از ابعاد مهم امنیت ملی کشورها به شمار آمده و تغییرات اقلیمی در صورت عدم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح به پاشنه آشیل امنیتی کشورها تبدیل می‌شود. تامین پایدار مواد غذایی، امنیت غذایی، اشتغال در بخش کشاورزی و رشد صنایع مرتبط را به همراه دارد و در نقطه مقابل، عدم توجه به محیط‌زیست و تخریب آن، مهاجرت و کوچ اجباری را موجب خواهد شد که خود می‌تواند نقطه بی بازگشتی برای گسست‌های اجتماعی، فقر و عقب‌ماندگی و در نهایت تشدید تنش و منازعات باشد (Keck & Sikkink, 2014:5-6). از این رو به پارادایپلماسی زیست‌محیطی به عنوان یک راه حل برای حفظ محیط‌زیست و اجتناب از پیامدهای تخریب آن نگاه می‌شود زیرا پارادایپلماسی زیست‌محیطی در بستر شبکه‌های فراملی عمل می‌کند که در آن بازیگران محلی به صورت مستقیم با همتایان خارجی، نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی تعامل می‌کنند. در واقع کنشگران محلی از جمله نهادها و مقامات می‌توانند با ایجاد نُرْم‌ها و استانداردهای زیست‌محیطی فرامرزی، اثرگذاری نهادی ایجاد کنند (Betsill and Bulkeley, 2006:143).
- **پارادایپلماسی امنیتی و مرزی^۲:** در چارچوب پارادایپلماسی امنیتی و مرزی، بازیگران محلی همچون استان‌ها، مناطق مرزی، شهرداری‌ها، پلیس محلی، نهادهای مدیریت مرزی، فرمانداری‌ها و کنسولگری‌های محلی برای پیشبرد اهداف مرتبط با امنیت، مدیریت مرزها، کنترل مهاجرت، مقابله با جرایم فراملی، و افزایش ثبات محلی همکاری می‌کنند. موضوع آن است که مرزها و امنیت مناطق مرزی دیگر کاملاً در انحصار دولت مرکزی نبوده و بازیگران محلی نقش فزاینده‌ای در تهیه اطلاعات، اقدامات پیشگیرانه و تعاملات فرامرزی دارند. دلیل این امر تهدیدات فرامرزی، از جمله بیماری‌های واگیر، شبکه‌های قاچاق انسان، مواد مخدر و کالا هستند که در طول مرزها قابلیت فعالیت داشته و امنیت دو کشور و جوامع محلی را با خطر مواجه می‌کنند. مقابله با چنین تهدیداتی نیازمند شبکه‌سازی میان بازیگران محلی، ملی و بین‌المللی است تا اطلاعات، منابع و قابلیت‌ها به سرعت منتقل شوند. سازوکار مقابله با این

1.Environmental Para Diplomacy

2.Security and Border Para Diplomacy

تهدیدات، تبادل اطلاعات و همکاری اطلاعاتی محلی^۱ است که از طریق آن، پلیس محلی، مرزبانی و نهادهای انتظامی شهری می‌توانند اطلاعات عملیاتی درباره قاچاقچیان، شبکه‌های جنایی، مسیرهای مهاجرتی و تهدیدات تروریستی را با همتایان مرزی یا نهادهای بین‌المللی به اشتراک بگذارند (Towns, 2010: 617-618).

- **پارادایلماسی بشردوستانه:** به آن نوع از پارادایلماسی اشاره دارد که هدفش ارائه کمک‌های انسانی، امدادرسانی در وضعیت‌های اضطراری، ارتقای ظرفیت‌های بهداشتی-آموزشی، حمایت از پناهیجویان و مهاجران، یا ترویج حقوق بشر و توسعه انسانی در سطح فراملی است. ارسال کمک‌های بشردوستانه از سوی مناطق و شهرها به کشورهای نیازمند، همکاری در مدیریت بحران‌های انسانی مانند پناهیجویان و بلایای طبیعی، از جمله برنامه‌ها و اقداماتی هستند که در این چارچوب تعریف می‌شوند.

۵. مدل مفهومی پارادایلماسی در روابط منطقه آزاد اروند و مناطق آزاد در استان بصره

پارادایلماسی به عنوان ابزاری برای توسعه همکاری‌های فروملی، می‌تواند نقش مهمی در تقویت روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی میان منطقه آزاد اروند و استان بصره ایفا کند. بر این اساس، مدل مفهومی پیشنهادی بر پایه عناصر کلیدی پارادایلماسی، عوامل مؤثر و پیامدهای آن طراحی شده است.

۵-۱. عناصر کلیدی مدل مفهومی

- **بازیگران اصلی (سطح فروملی)**
منطقه آزاد اروند (ایران): شامل سازمان‌های دولتی محلی، اتاق‌های بازرگانی، سرمایه‌گذاران و نهادهای فرهنگی. استان بصره (عراق): شامل مقامات محلی، شرکت‌های اقتصادی، دانشگاه‌ها و گروه‌های تجاری.
- **علاق و نگرانی‌های بازیگران:** منطقه آزاد اروند و استان بصره عراق به عنوان دو منطقه‌ی مرزی با تنوع قومی و جایگاه استراتژیک، مشرف بر رود اروند و شط‌العرب و دهانه ورود

به خلیج فارس، علایق و نگرانی‌های خاص خود به عنوان بازیگران فروملی و در چارچوب دولت ملی دارند. این علایق و نگرانی‌ها تعیین‌کننده نوع رفتار آنهاست.

- مکانیسم‌های رفتار

✓ **نخست: همکاری:** همکاری آن چیزی است که این پژوهش در تلاش است برای آن راهبرد تعریف کند. همکاری شامل هماهنگی سیاست‌ها برای تحقق اهداف مشترک و مقابله با تهدیدات مشترک است. همکاری را می‌توان در تمام حوزه‌های علایق و نگرانی‌ها شکل داد. از این منظر، منطقه آزاد اروند و استان بصره، علایق و نگرانی‌هایی دارند که در فصول مربوط به خود بحث و بررسی خواهند شد. شکل دادن به همکاری بواسطه پارادایلماسی در حوزه‌های مختلف می‌تواند ابزاری برای تعامل با علایق و نگرانی‌های دو طرف باشد. ابزارهای پارادایلماتیک در حوزه‌های موضوعی ذیل قابل تعریف هستند:

- **پارادایلماسی اقتصادی:** ایجاد مناطق تجاری مشترک، امضای توافق‌نامه‌های تجاری.
- **پارادایلماسی فرهنگی:** برگزاری رویدادهای مشترک، همکاری‌های دانشگاهی، توسعه گردشگری.

- **پارادایلماسی محیط‌زیستی:** مدیریت منابع آبی مشترک، مقابله با آلودگی‌های مرزی.

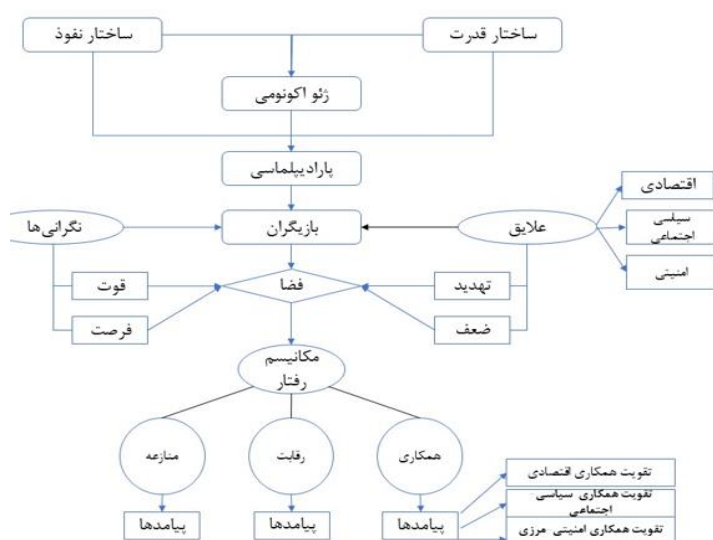
✓ **دوم، رقابت:** رقابت در ساختار و ماهیت نظام بین‌الملل ریشه داشته و امری پذیرفته در عرصه تعاملات خارجی است. دو بازیگر در عین حال که همکار و دارای منافع مشترک هستند، ممکن است در موضوعاتی، رقیب یکدیگر بوده و بر سر موضوعاتی مانند کسب موقعیت و جایگاه با یکدیگر رقابت کنند. رقابت زمانی که با همکاری و در فضای وجود منافع مشترک روی دهد، سازنده و مثبت و زمانی که منافع مشترک جای خود را به منافع متضاد دهد، رقابت، منفی و متمایل به تنش و منازعه خواهد بود.

✓ **سوم، منازعه:** منازعه به وضعیت و شرایطی اشاره دارد که در آن یک گروه و مجموعه انسانی مشخص و معین، اعم از مذهبی، فرهنگی، زبانی، سیاسی-اجتماعی یا حتی اقتصادی و قومی-قبیله‌ای به دلایل تعارض و ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهداف و ارزش‌ها با یک گروه یا گروه‌های انسانی دیگر تعارض و تضاد می‌یابد. در واقع، منازعه، نوعی تقابل و

تعامل افراد و کشورها با یکدیگر است و طی آن طرفین در تلاش و تقلا برای دستیابی به منابع کمیاب بوده و با تقویت موضع و ارتقای موقعیت و منزلت خود، دیگری را از رسیدن به هدف مطلوب باز دارد. از این منظر، همان‌طور که تاریخ نشان داده، ایران و عراق در امتداد خطوط مرزی خود ظرفیت‌های بسیاری برای منازعه و تنش دارند و اگر مسائل اختلاف‌برانگیز حل و فصل نشده و قربانیان اختلافات که مناطق مرزی هستند در دستورکارها، برنامه‌ها، مشارکت داده نشوند، چشم‌انداز بروز و تداوم تنش‌ها همان‌طور که تا به امروز بوده، دور از انتظار نیست.

• پیامدهای مورد انتظار همکاری

آنچه مورد انتظار این پژوهش است، پیامدهای همکاری است. از این منظر، تحقق اهدافی مانند توسعه اقتصادی و افزایش اشتغال در هر دو منطقه، تقویت روابط فرهنگی و اجتماعی، کاهش وابستگی به سیاست‌های دولت‌های مرکزی، افزایش ثبات و امنیت در مناطق مرزی، اهداف متوقع هستند که استراتژی ارتقای روابط باید تحقق آنها را هدف‌گذاری کند.



شکل (۲): مدل مفهومی ژئوپلیتیک

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. علایق و شباهت‌ها به مثابه بستری برای همکاری‌های مشترک

خوزستان و بصره از دیرباز با یکدیگر ارتباط و تعامل داشته‌اند. بعد از امپراتوری بابل، بصره ضمیمه امپراتوری ایران شد. بصره که در زمان امپراطوری ساسانیان بخشی از این امپراطوری بود نقطه مواجهه ایران با دین اسلام و لذا اولین نقطه ورود اسلام به ایران بوده است. از این‌رو باید گفت که استان بصره و ایران دارای یک عقبه طولانی از پیوند ژئوپلیتیک و ژئوکالچر با یکدیگر هستند. این پیشینه تاریخی طولانی، از طریق تربیت دانشمندان و ادیبان بزرگ ایرانی‌تبار، نقش مهمی در همگرایی قومیتی فارس‌ها و عرب‌ها در سرزمین عراق ایفا کرد.

بصره با ایران امروز بیش از ۲۲۰ کیلومتر مرز مشترک رودخانه‌ای، دریایی و خاکی دارد. از نظر مسافت، این نوار مرزی معادل حدود یک هشتم کل نوار مرزی با عراق است. از نظر گونه نوار مرزی، بصره متنوع‌ترین نوار مرزی را با ایران در مقایسه با ۶ استان دیگر هم مرز عراق دارد. لازم به ذکر است که علی‌رغم پیوندهای تاریخی و فرهنگی بین بصره و ایران، این پیوند همواره از نظام‌های حکمرانی گوناگون حاکم بر ایران و عراق، طی قرن‌های متمادی، تاثیر پذیرفته است که پرداختن به تاریخ کامل آن خارج از توان این پژوهش است. در این باره صرفاً باید گفت که تا آستانه تشکیل دولت عراق در ۱۹۲۱ میلادی، بصره همچنان پیوندهای عمیق خود با ایران را حفظ کرد هرچند که به لحاظ ژئوپلیتیک، به دلیل اهمیت بالای این جغرافیا در معادلات قدرت منطقه‌ای، عرصه تنش‌ها و جنگ‌های متعدد میان حکومت‌های ایران، دولت‌های محلی و عثمانی نیز بود. بعد از شکل‌گیری دولت عراق، اختلافات مرزی ایران و عثمانی در استان بصره به اختلافات ایران و عراق انتقال پیدا کرد. در واقع باید گفت در قرن بیستم میلادی، مهم‌ترین پرونده اختلاف سرزمینی ایران و عراق، در استان بصره بود.

هرچند اختلافات مرزی ایران و عراق در قرن بیستم فراز و فرودهای زیادی داشت و در نهایت منجر به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر شد اما این قرارداد نتوانست مانع جنگ ایران

و عراق شود. در جنگ هشت ساله نیز مهم‌ترین نقطه برای ایران و عراق که بیشترین مدت زمان و عمق جنگ در آنجا رخ داد در استان خوزستان و بصره بود. بعد از تحولاتی که در عراق از سال ۲۰۰۳ صورت گرفت، فرصت مناسبی برای همکاری ایران و عراق در تمام عرصه‌ها از جمله در حوزه روابط مناطق آزاد فراهم شده است. آنچه که بسترساز و مقوم همکاری ایران و عراق در دو منطقه آزاد یاد شده است، اشتراکات متعدد بین استان بصره و عراق به طور عام و منطقه آزاد اروند و الزبیر به طور خاص است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

• میراث تاریخی مشترک

بنا بر جبر جغرافیا، تعاملات بسیار متراکمی در طول تاریخ بین استان بصره و مردم ایران و بصره وجود داشته به گونه‌ای که در مواردی منجر به پیوندهای خونی عشیره‌ای شده است. در این بین، نظر به سکونت دیرپای فارس زبانان در بصره، میراث فرهنگی متعددی از آن‌ها در این منطقه برجای مانده که امروزه نیز به شکل ملموس و غیرملموس قابل مشاهده است. شاید عینی‌ترین تاثیر فرهنگی فارس‌ها در بصره، مربوط به نام این شهر باشد. به اعتقاد برخی از مورخین و زبان‌شناسان، شامل «حمزه بن الحسن الاصبهانی» و «یاقوت حموی» (Al-Bazi, 1969:12)، کلمه بصره ریشه فارسی داشته و از عبارت «بسی راه» (منطقه‌ای شاهراهی که به مسیرهای زیادی پیوند دارد) نشأت گرفته؛ در کتاب «هزار و یک شب» نیز بصره با همین معنی فارسی روایت می‌شود (Ayan Al-Abas, 1970:22). بدین خاطر و در سایه حضور دیرپا و گسترده فارسی‌زبانان در بصره، کلمات زیادی از زبان فارسی وارد فرهنگ عامه مردمان این خطه شده است. بخش عمده این کلمات، در تقریباً سرتاسر مناطق شیعه‌نشین عراق رواج دارند و برخی تنها در بصره شناخته می‌شوند. رواج زبان فارسی در بصره به حدی بوده که در آستانه تاسیس دولت عراق، «طالب النقیب»، شخصیت پرنفوذ اهل بصره که جدی‌ترین شخصیت عراقی برای پادشاهی آن کشور بود، به زبان فارسی مسلط بود (Altai, 2023). هنوز هم در میان مردم کوچه و بازار بصره واژگان زبان فارسی رایج است (Al-Hamdani, 2017:52).

از طرفی ایرانیان ساکنان خوزستان و کسانی که عرب‌زبان نیستند با زبان عربی آشنایی دارند و از فرهنگ و رسوم استان بصره آگاهی دارند و از آن تاثیر پذیرفته‌اند. بصره برای مدت مدیدی محل زندگی بسیاری از ایرانیان و روحانیون سرشناس آنها است. هرچند در دوره حزب بعث، بر این حضور خدشه وارد شد اما بعد از ۲۰۰۳ این حضور وجود دارد. همچنین، خوزستان با مکان‌هایی مانند شوش (ثبت شده در یونسکو) و جاده‌های هخامنشی، به عیلام باستان (هزاره سوم پیش از میلاد) بازمی‌گردد. بصره، یک مرکز تجاری تاریخی، دارای تأثیرات باستانی و نشانه‌های فرهنگی است، هر دو استان موسیقی، فولکلور و سنت‌های خود را حفظ می‌کنند.

• شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی

هر دو استان از نظر شرایط فرهنگی - اجتماعی اشتراکات زیادی دارند هرچند با چالش‌های مشترک مانند فشارهای اجتماعی ناشی از شهرنشینی سریع و نابرابری‌های منابع نیز مواجه هستند. مهم‌ترین اشتراکات فرهنگی و اجتماعی دو استان عبارتند از:

✓ **تنوع قومی و زبانی:** خوزستان جمعیتی متکثر (حدود ۴,۵ میلیون نفر) دارد: اقوام عرب (۳۳٪)، لرهای بختیاری (۳۰٪)، فارس‌ها (۳۱٪) و اقلیت‌هایی مانند کردها/ترک‌ها (۲,۵٪) که با گویش‌های عربی، فارسی و لری در همزیستی مسالمت‌آمیز هستند. بصره (حدود ۲,۵ تا ۳ میلیون نفر) عمدتاً عرب اما از نظر قبیله‌ای متنوع است و تحت تأثیر مذاهب و اقوام شیعه، کردها و اقلیت‌ها قرار دارد که منعکس‌کننده یک موزاییک مشابه است که توسط مهاجرت‌ها و رونق نفت شکل گرفته است.

✓ **نرخ رشد جمعیت تقریباً بالا:** رشد جمعیت به دلیل نفت از نظر تاریخی بالا است (خوزستان: ۱,۳۳٪ سالانه ۱۹۹۶-۲۰۰۶؛ بصره نیز پس از ۲۰۰۳). البته نرخ رشد اخیراً در دو منطقه به دلیل مهاجرت به خارج از کشور کاهش یافته است.

✓ **انسجام اجتماعی در پرتو زندگی مسالمت‌آمیز:** زندگی مسالمت‌آمیز قومیت‌ها و مذاهب مختلف ویژگی غالب هر دو استان است. در هر دو استان، با وجود تبعیض ادراک‌شده، هویت ملی قوی وجود دارد.

✓ **مذهب مشترک:** استان بصره بزرگ‌ترین استان شیعه‌نشین عراق است. ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعی دنیا از حیث عنصر جمعیت با عراق که شیعیان جمعیت اکثریت آنها را تشکیل می‌دهد، همسایه است. لذا این وضعیت فرصتی فراهم می‌کند که در سطح خاص‌تر، دو استان خوزستان و بصره به خاطر مذهب مشترک شیعی بتوانند پیوندهای قوی‌تری با یکدیگر داشته باشند. در این بین، شیعیان بصره، از منظر نگاه مذهبی، گرایش به گفتمان جمهوری اسلامی ایران از تشیع نیز دارند. طبق برآوردهای «گروه بین‌المللی بحران» در سال ۲۰۰۷، برخلاف شیعیان مناطق مرکزی عراق که تقریباً به صورت بلامنازع، مقلد آیت‌الله سیستانی هستند، در بصره، بخش بزرگی از شیعیان، مقلد آیت الله خامنه‌ای (رحمت‌الله علیه) هستند.

✓ **دیگر مذاهب مشترک:** علاوه بر اشتراک مذهبی با تکیه بر عنصر شیعه، مذاهب مهمی دیگری در هر دو استان خوزستان و بصره وجود دارد که می‌تواند پیوندهای موجود بین دو کشور و دو استان را بیش از پیش تقویت کند. در این بین می‌توان به مذهب صائبین اشاره کرد که در هر دو استان مورد احترام و پذیرفته شده هستند. صائبین در ایران ۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شوند که غالباً در اهواز ساکنند؛ این گروه با وجود تعداد اندک، شبکه قدرتمند مالی در بازار طلای خوزستان دارند (Gilvaei and Shushtari, 2010:104). آنها در اهواز به راحتی زندگی می‌کنند و نه تنها آموزه‌های دینی خود نظیر سال نوی مندائی را آزادانه گرامی می‌دارند بلکه در فرایندهای سیاسی نظیر انتخابات نیز شرکت دارند. امتداد همین گروه مذهبی در بصره قرار دارد و شمار آنها امروز بعد از مهاجرت

گسترده در نتیجه جنگ‌های پی در پی، به حدود ۸ هزار تن رسیده است (Ramadan, 2023). صائین در بصره نیز از آزادی مذهبی برخوردار هستند.

✓ **اقوام مشترک:** در استان بصره بیش از ۹۰ درصد جمعیت عرب‌زبان هستند. در این بین در استان خوزستان و مشخصاً در منطقه آزاد اروند و شهرهایی مانند خرمشهر و آبادان عرب‌زبانان ایرانی حضور دارند. طبق آمار، جمعیت عرب‌های ایران به بیش از ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تن می‌رسد که معادل ۴۰٪ جمعیت استان خوزستان می‌شود (Karimipour and Karimipour, 2004:185). این در حالی است که جمعیت کل استان بصره بیش از سه میلیون است. در واقع می‌توان گفت که استان خوزستان تقریباً نصف استان بصره جمعیت عرب‌زبان دارد. عنصر مشترک زبان عربی به خاطر وجود طوایف و عشایر مشترک است. امروزه، حداقل ۴ عشیره بزرگ در خوزستان و بصره، حضور اجتماعی دارند که بزرگ‌ترین آن‌ها «بنی کعب» است. این عشیره از سرشناس‌ترین عشائر منطقه خوزستان و بصره هستند و بسیاری از مسئولین دو استان در طول تاریخ از همین عشیره بوده‌اند.

✓ **گردشگری:** اقلیم‌ها و تاریخ‌های متنوع، اگرچه توسعه نیافته‌اند، اما از گردشگری بوم‌شناختی (تالاب‌ها، آبشارها، مکان‌های باستانی مانند چغازنبیل در خوزستان؛ باتلاق‌های بصره، نخلستان‌ها و...) پشتیبانی می‌کنند.

• شباهت‌های جغرافیایی و استراتژیک

هر دو استان خوزستان و بصره از نظر استراتژیک در مناطق جنوب‌غربی کشورهای خود، هم‌مرز با خلیج فارس و نزدیک به آب‌های بین‌المللی قرار دارند. این موقعیت به آن‌ها دسترسی به مسیرهای تجارت جهانی را می‌دهد و آن‌ها را به دروازه‌های حیاتی برای صادرات و واردات کشورهاشان تبدیل می‌کند. در این ارتباط می‌توان به چهار شباهت جغرافیایی مشترک بین بصره و خوزستان اشاره کرد:

✓ **نزدیکی به مرزها و آب‌ها:** خوزستان در غرب ایران، در مجاورت عراق و کویت واقع شده است و از طریق سواحل شمالی و شمال‌شرقی خود به خلیج فارس

دسترسی مستقیم دارد. به طور مشابه، بصره در جنوب عراق، هم‌مرز با ایران و کویت است و از طریق آبراه شط العرب به خلیج فارس متصل می‌شود. هر دو استان به عنوان مناطق مرزی عمل می‌کنند که تجارت فرامرزی را تسهیل می‌کنند.

✓ **سیستم‌های رودخانه‌ای و منابع آب:** خوزستان از چندین رودخانه اصلی (مانند کارون، کرخه، دز، زهره، مارون و جراحی) بهره‌مند است که حدود یک سوم آب جاری ایران را تشکیل می‌دهند و از کشاورزی، نیروی برق آبی و صنعت حمایت می‌کنند. بصره به شط العرب (که از تلاقی رودخانه‌های دجله و فرات تشکیل شده است) متکی است که مزایای مشابهی را برای آبیاری، ماهیگیری و حمل و نقل فراهم می‌کند. هر دو منطقه با مشکلات مشابهی در مورد نفوذ شوری آب از خلیج فارس روبرو هستند که منجر به چالش‌هایی در تأمین آب آشامیدنی و بهره‌وری کشاورزی می‌شود.

✓ **تنوع آب و هوا و زمین:** هر دو استان دارای آب و هوای چهار فصل با دشت‌های گرم و خشک در جنوب و مناطق کوهستانی خنک‌تر در شمال/شرق (کوه‌های زاگرس در خوزستان؛ مناطق انتقالی مشابه در بصره) هستند. این تنوع از اکوسیستم‌های متنوعی، از جمله تالاب‌ها (مثلاً هورالعظیم در خوزستان؛ باتلاق‌ها در بصره) پشتیبانی می‌کند، اما همچنین مسائل زیست‌محیطی مانند طوفان‌های گرد و غبار ناشی از بیابان‌ها و تالاب‌های خشک را تشدید می‌کند.

✓ **وسعت و تراکم جمعیت:** خوزستان حدود ۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع (۴٪ از مساحت ایران) را با جمعیتی حدود ۴,۵ تا ۴,۷ میلیون نفر پوشش می‌دهد که دارای تراکم بالای شهری (۷۰٪ شهرنشین) و رشد سریع تاریخی جمعیت به دلیل فرصت‌های اقتصادی است. بصره، اگرچه مساحت کمتری دارد (تقریباً ۱۹۰۰۰ کیلومتر مربع)، اما تراکم جمعیتی قابل‌توجهی در مراکز شهری مانند شهر بصره دارد که رشد آن ناشی از مهاجرت مرتبط با نفت است، اگرچه روندهای اخیر نشان می‌دهد که

مهاجرت خالص به دلیل فشارهای زیست‌محیطی و اقتصادی در هر دو منطقه رخ داده است.

• ژئواکونومیک مشترک

از نظر اقتصادی، هر دو استان تحت سلطه منابع هیدروکربنی هستند و به عنوان «قلب اقتصادی» کشورهای خود عمل می‌کنند، اما در کنار آسیب‌پذیری‌های ناشی از وابستگی بیش از حد به نفت، بخش‌های متنوعی مانند کشاورزی و تجارت را نیز به اشتراک می‌گذارند. در ادامه به شباهت‌های اقتصادی مشترک دو استان خوزستان و بصره پرداخته می‌شود:

✓ **تسلط بر صنایع نفت و گاز:** خوزستان میزبان ۸۵٪ از ذخایر اثبات شده نفت و گاز ایران (۲۰۹ میلیارد بشکه نفت و ۱۲۰۰ تریلیون فوت مکعب گاز که به ترتیب ایران را در رتبه سوم و دوم جهانی قرار می‌دهند) است. این استان ۸۰٪ از نفت ایران را تولید می‌کند و صادرکننده اصلی نفت خام و پتروشیمی است. بصره هم بیش از ۶۰٪ از ذخایر اثبات شده نفت عراق (۹۳ میلیارد بشکه از ۱۴۵ میلیارد بشکه عراق) را در اختیار دارد و بیش از ۷۰٪ از نفت کشور (بیش از ۳ میلیون بشکه در روز) را تولید می‌کند، و میادین اصلی مانند روميله، قرنه غربی و زیبر، در این استان قرار دارد. لذا هر دو استان سهم عظیمی در تولید ناخالص داخلی ملی دارند (خوزستان از طریق ۷۰٪ از تولید ناخالص داخلی استانی خود از نفت/گاز، و بصره از طریق ۸۸٪ از تولید ناخالص داخلی خود از نفت در داده‌های سال ۲۰۱۰) به گونه‌ای که آنها را به محوری برای اقتصادهای ملی خود تبدیل کرده است.

✓ **پتروشیمی و صنایع وابسته:** در خوزستان، نفت، قطب‌های پتروشیمی مانند بندر امام و ماهشهر را هدایت می‌کند و مواد شیمیایی، کود و محصولات با ارزش افزوده تولید می‌کند. بصره نیز دارای صنایع مشابهی از جمله کارخانه‌های پتروشیمی، تأسیسات مایع‌سازی گاز (به عنوان مثال، شرکت گاز جنوب) و پالایشگاه‌هایی

مانند الزبیر (با ظرفیت ۱۵۰،۰۰۰ بشکه در روز) است که بر صنایع فرآوری و پایین‌دستی صادرات محور تأکید دارند.

✓ **کشاورزی و دامپروری:** هر دو استان از دشت‌های آبرفتی حاصل‌خیز و سیستم‌های رودخانه‌ای برای کشاورزی استفاده می‌کنند. هر دو استان برای کشورهای خود، جزء تولید کنندگان برتر محصولات کشاورزی هستند. خوزستان، با یک سوم آب‌های سطحی ایران و ۳ میلیون هکتار زمین قابل کشت، در تولید نیشکر (۹ کارخانه بزرگ)، گندم، برنج، خرما، مرکبات و دامداری سرآمد است و به طور بالقوه امکان سه برداشت در سال را فراهم می‌کند. بصره، که از نظر تاریخی یک مرکز جهانی برای تولید خرما است، گندم، جو، برنج، ذرت، گوجه فرنگی را نیز کشت می‌کند و از ماهیگیری/آبزی‌پروری حمایت می‌کند. هر دو استان بصره و خوزستان با نیاز به مدرنیزاسیون برای تغییر از روش‌های سنتی و مبارزه با اثرات اقلیمی مانند خشکسالی و شوری آب مواجه هستند.

✓ **بخش‌های صنعتی و تولیدی:** خوزستان در تولید فولاد (پس از اصفهان) رتبه دوم را در ایران دارد و میزبان معادن، سیمان و ۲۲ شهرک صنعتی غیرنفتی، به علاوه تولید کاغذ و خوراک دام است. در بصره نیز صنایعی مانند فولاد، آهن، کود و مصالح ساختمانی در مناطقی مانند منطقه آزاد خور الزبیر تولید می‌شود و در حال توسعه است.

✓ **زیرساخت‌های تجاری و بنادر:** خوزستان به عنوان یکی از قطب‌های تجاری، دارای بنادر اصلی (بندر امام خمینی، خرمشهر، آبادان، ماهشهر و بندر شادگان) و مناطق آزاد تجاری مانند اروند است که صادرات و بازارهای مرزی را تسهیل می‌کند. بنادر بصره (ام‌القصر، خور الزبیر) ۸۵ درصد از تجارت عراق را مدیریت می‌کنند و مناطق آزادی مانند منطقه آزاد الزبیر و القرنه بر لجستیک، انبارداری و مشوق‌های صادراتی (مانند معافیت‌های مالیاتی) تمرکز دارند. هر دو استان دارای شبکه‌های ریلی، جاده‌ای و فرودگاهی هستند که به پایتخت‌های ملی (اهواز-تهران

در خوزستان؛ بصره-بغداد) متصل می‌شوند و هدف آنها تنوع‌بخشی از طریق گردشگری و صادرات غیرنفتی است.

به طور کلی باید گفت بین استان خوزستان و استان بصره راه‌های ارتباطی ترکیبی یعنی زمینی، آبی، خاکی و هوایی به شکل رفت و برگشت وجود دارد. در واقع دو کشور در مرزهای خود گذرگاه‌های مرزی مشترک برای توسعه ارتباطات و تعاملات دارند. برای مثال، در سمت ایران گذرگاه شلمچه وجود دارد که یکی از ۱۲ گذرگاه میان ایران و عراق است. لازم به ذکر است که حجم بالایی از تبادلات بازرگانی میان دو طرف از مسیر این گذرگاه صادر انجام می‌گیرد. فاصله گذرگاه شلمچه تا مرکز شهر بصره، تنها ۱۸ کیلومتر است. گذرگاه زمینی شلمچه علاوه بر فاصله اندک با قلب اقتصادی عراق یعنی استان بصره، اهمیت دیگری نیز دارد که آن امکان پیوند زمینی با کویت است.

در سمت عراقی نیز، استان بصره مسیرهای دریایی - آبی، خشکی و هوایی با ایران دارد. البته لازم به ذکر است که تبادلات دریایی بین دو استان بصره و خوزستان اندک است. در این چهارچوب، عمده تبادلات آبی ایران و عراق از طریق رودخانه اروندرود انجام می‌گیرد. تبادلات آبی بین خوزستان و بصره عمدتاً مبتنی بر جابجایی مسافر در مسیر خرمشهر به شهر بصره است. اخیراً طرف عراقی بندر «ابوفلوس» را نهایی کرده است که بخشی از صادرات کالا از ایران به عراق از طریق آن انجام می‌گیرد. همچنین طرف عراقی در حال تکمیل کردن اسکله «الواصلیه»، در مجاورت شهر «السیبه» استان بصره است که با مرکز استان فاصله حدوداً ۹۰ کیلومتری دارد. باید به این نکته توجه داشت اینکه چه ایران مسیرهای ارتباطی خود را به سمت استان بصره توسعه دهد و چه طرف عراقی مسیرهای تعاملی استان بصره به سوی ایران را توسعه دهد فرصتی مشترک برای هر دو طرف است. به این خاطر است که تهران و بغداد در حال ایجاد خط ریلی بین استان خوزستان و بصره هستند که مسیرهای مواصلاتی را بیش از پیش تقویت می‌کند.

انرژی و زیرساخت: خوزستان از رودخانه‌ها و گاز خود برق آبی و حرارتی تولید می‌کند و به دلیل تابش زیاد نور خورشید، پتانسیل خورشیدی دارد. بصره میزبان نیروگاه‌های وابسته به نفت/گاز است و منابع خورشیدی بکری دارد، اما هر دو از عدم تعادل انرژی (مثلاً خاموشی در تابستان‌های گرم) و شکاف‌های زیرساختی پس از درگیری‌ها رنج می‌برند.

به طور کلی باید گفت که قطب نفت عراق به لحاظ جغرافیایی، با قطب نفت ایران، پیوند خورده است. اگر این همجواری جغرافیایی استان‌های نفتی دو کشور، بتواند در قالب یک فهم ژئواکونومیک مشترک به یک همگرایی نفتی-گازی منجر شود، بی‌تردید وزن ژئواکونومیک ایران و عراق را در سطح کل منطقه افزایش می‌دهد. مجموع ظرفیت نفتی ایران و عراق در کنار هم، معادل بیش از ۲۰٪ کل ذخایر نفت جهان خواهد شد. نسبت مجموع ذخایر گازی دو کشور نیز در همین حدود است. به همین دلیل همگرایی دو کشور در حوزه انرژی، می‌تواند یک قطب بسیار قدرتمند ژئواکونومیک بوجود آورد.

• شباهت‌های سیاسی و اداری

بین استان بصره و خوزستان به طور عام و دو منطقه آزاد اروند و الزبیر به طور خاص از حیث سیاسی - اداری اشتراکاتی وجود دارد. استان خوزستان تحت نظام سیاسی متمرکز ایران فعالیت می‌کند، به طوری که استانداران در پایتخت ایران یعنی تهران منصوب می‌شوند. اما متمرکز بودن نظام سیاسی به معنی عدم تاثیرگذاری استان خوزستان بر تصمیمات نیست. برای مثال، نمایندگان استان خوزستان در مجلس (۱۸ نماینده) قادرند بر تصمیمات در سطح استان و نیز انتصابات تاثیر بگذارند. در مقابل، مدل فدرال-استانی بصره به شوراهای محلی اجازه فعالیت می‌دهد اما با قدرت مرکزی در بغداد نیز ارتباط دارد. همچنین اداره بصره از تأثیرات حزبی/قبیله‌ای نیز تاثیر مستقیم می‌پذیرد. در سطح اداری - مدیریتی، هر دو استان با دوره‌های کوتاه تصدی مدیران فساد، بوروکراسی و انتصابات غیربومی، ناکارآمدی مواجه هستند. لازم

به ذکر است که مناطق آزاد (اروند در خوزستان؛ منطقه آزاد الزبیر در بصره) تحت نظارت مرکزی هستند اما هدف آنها آزادی عمل در تجارت است. در پایان این بخش باید گفت که خوزستان و بصره شباهت‌های عمیقی با هم دارند اما با چالش‌های مشترکی نیز مواجه هستند که غلبه بر این چالش‌ها نیز می‌تواند مبنایی برای همکاری دو طرف باشد. در بخش بعدی به چالش‌های مشترک دو استان پرداخته می‌شود.

۶-۲. نگرانی‌های مشترک؛ بستری برای همکاری‌های مشترک

استان خوزستان و بصره چالش‌های مشترکی دارند که یکی از راه‌های اساسی غلبه بر چالش‌ها همکاری مشترک تهران - بغداد است. در واقع نباید تصور کرد که صرفاً در حوزه‌هایی همکاری امکان‌پذیر است که اشتراکات وجود دارد. چالش‌ها نیز پتانسیل قوی‌ای برای همکاری‌های دوجانبه، می‌تواند فراهم کند. هر دو استان بصره با چالش‌های مشترک کلیدی شامل کمبود و آلودگی آب، تخریب محیط‌زیست، بحران‌های بهداشتی، نابرابری اقتصادی و فقر، بیکاری و مهاجرت، کمبود زیرساخت‌ها، ناآرامی‌های اجتماعی و فساد مواجه هستند. این مسائل باعث ایجاد پدیده «نفرین منابع» می‌شود، جایی که ثروت طبیعی فراوان با محرومیت گسترده همزیستی دارد و تنش‌ها و بی‌ثباتی را تشدید می‌کند.

✓ **کمبود آب و مسائل مربوط به کیفیت:** هر دو استان با وجود فراوانی تاریخی ناشی از سیستم‌های رودخانه‌ای مشترک مانند شط العرب و اروندرود با بحران شدید آب دست و پنجه نرم می‌کنند. علی‌رغم اینکه استان خوزستان یک سوم آب‌های سطحی ایران را از رودخانه‌هایی مانند کارون در خود جای داده اما با این حال به دلیل سوء مدیریت، نفوذ شوری از خلیج فارس و سدسازی در بالادست، با کمبود شدید آب در شهرهایی مانند اهواز، آبادان و خرمشهر مواجه است. به همین ترتیب، بصره برای آبیاری و آب آشامیدنی به شط العرب متکی است، اما از شوری بالای آب رنج می‌برد که تا سال ۲۰۲۵، ۹۰ درصد از جوامع مرکزی را تحت تأثیر قرار داده است. این مسئله با خشکسالی و آلودگی تشدید شده است.

✓ تحقیقات این موارد را به عنوان مشکلات فرامرزی به هم پیوسته تأیید می‌کند. در خوزستان، خشکسالی‌های مداوم - که اکنون در پنجمین سال خود است - باعث کاهش بارندگی و لذا منجر به کمبود آب شده است. بصره نیز با یکی از بدترین خشکسالی‌های عراق در یک قرن گذشته روبرو است و هزاران نفر در سال ۲۰۲۵ در صف آب آشامیدنی هستند که با کاهش جریان آب به سیستم دجله-فرات توسط سدهای بالادست در ترکیه بدتر نیز می‌شود. این بحران مشترک باعث تضعیف بخش کشاورزی می‌شود. زیرا شوری، زمین‌های کشاورزی را خراب می‌کند و آنها را به واردات متکی می‌کند، در حالی که تغییرات اقلیمی مانند تبخیر نیز کاهش جریان ورودی را تشدید می‌کند.

✓ **تخریب و آلودگی محیط زیست:** فرسایش محیط زیست، ناشی از استخراج نفت، تغییرات اقلیمی و فعالیت‌های انسانی، هر دو استان خوزستان و بصره را درگیر خود کرده است. در این ارتباط می‌توان به چالش‌های مانند تالاب‌های خشک شده (به طور خاص هورالعظیم)، طوفان‌های گرد و غبار ناشی از بیابان‌زایی و آلودگی‌های مرتبط با نفت که باعث آلودگی هوا و آب شده، در خوزستان اشاره کرد. بصره نیز با خشک شدن تالاب‌ها، گرمای شدید (بیش از ۵۳ درجه سانتیگراد در سال ۲۰۲۵) و آلودگی ناشی از سوزاندن گاز و زباله‌های صنعتی مواجه است.

✓ **چالش‌های بهداشتی و سلامت:** آلودگی و مشکلات آب به یک بحران در حوزه بهداشت عمومی در دو منطقه تبدیل شده است. دو استان خوزستان و بصره با میزان بالای آسم، سرطان و بیماری‌های تنفسی ناشی از گرد و غبار و آلودگی نفتی مواجه هستند. تحقیقات نشان می‌دهد که آلودگی آب بصره در سال ۲۰۲۵ بدترین وضعیت در دهه‌های اخیر را داشته است. آلودگی آب بصره با بیش از ۱۵۰۰۰۰ مورد مسمومیت در سال ۲۰۱۸ با بیماری‌هایی مانند سرطان، نارسایی کلیه، بیماری‌های پوستی و بیماری‌های تنفسی مرتبط است. همچنین، هر دو استان با زیرساخت‌های ناکافی مراقبت‌های بهداشتی روبرو هستند.

✓ **چالش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی:** استان خوزستان و بصره علی‌رغم برخورداری از درآمدهای نفتی با چالش‌های اقتصادی مانند فقر بالا، بیکاری، نابرابری، مهاجرت، نوسانات قیمت جهانی نفت، رشد بی‌رویه شهرنشینی و افزایش حاشیه‌نشینی و.. مواجه هستند.

در پایان این بخش باید گفت که برای غلبه بر چالش‌های درهم تنیده‌ی یاد شده، از یک‌سو به همکاری دوجانبه ایران - عراق در زمینه آب و محیط‌زیست نیاز است و از سوی دیگر انجام اصلاحات داخلی برای رسیدن به توسعه عادلانه ضروری به نظر می‌رسد. در این بین در کشور عراق، طرح «توسعه ملی عراق» برای سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۸ بر نقش بصره در صنعت نفت و مناطق آزاد برای رشد صادرات غیرنفتی تأکید دارد. در ایران نیز در کنار اهتمام به انجام اصلاحات داخلی، در استان خوزستان و مشخصاً منطقه آزاد اروند رود انجام برخی تغییرات در پیش گرفته شده است. برای مثال، از سال ۲۰۱۷ برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی، دولت ایران لغو ویزا برای منطقه آزاد اروند را اجرا کرده و پتانسیل‌های جدیدی ایجاد کرده است.

✓ **سیاست دولت‌های خاورمیانه به مثابه عاملی بازدارنده در تعمیق روابط ایران و عراق:** منطقه خاورمیانه یکی از مهم‌ترین مناطق دنیا است که در آن رقابت بین دولت‌ها برای نفوذ در کشورهای مختلف بسیار جدی است به گونه‌ای که در موارد زیادی اشکالی از خصومت و دشمنی به خود نیز می‌گیرد. در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه در دوره پسا حزب بعث، رقابت‌های منطقه‌ای بر روابط ایران - عراق تأثیر منفی گذاشته است. در واقع، روابط ایران و عراق پس از سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳ میلادی (۱۳۸۲ شمسی)، به عنوان یکی از پیچیده‌ترین پیوندهای منطقه‌ای در خاورمیانه، همواره تحت تأثیر عوامل خارجی قرار گرفته است. این روابط که ریشه در تاریخ مشترک، مرزهای طولانی و وابستگی‌های اقتصادی-امنیتی دارد، از یک سو با فرصت‌های همکاری مانند مبارزه

با تروریسم تقویت شده، اما از سوی دیگر، دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اغلب جنبه‌های منفی به آن بخشیده است.

می‌توان گفت که کشورهای خاورمیانه مانند عربستان سعودی، ترکیه، اسرائیل، امارات متحده عربی، مصر و اردن، و قدرت‌های غیرخاورمیانه‌ای به ویژه ایالات متحده آمریکا، با پیگیری منافع ژئوپلیتیکی خود، موانعی جدی در مسیر تعمیق روابط تهران-بغداد ایجاد کرده‌اند. این تأثیرات منفی شامل رقابت برای نفوذ، اعمال فشارهای اقتصادی-سیاسی، حمایت از گروه‌های مخالف و حتی تشدید تنش‌های نظامی بوده که عراق را به سمت توازن بخشی در روابط خارجی سوق داده است.

کشورهای خاورمیانه، که اغلب با ایران رقابت ایدئولوژیک و استراتژیک دارند، عراق را به عنوان میدانی برای محدود کردن نفوذ تهران دیده‌اند. عربستان سعودی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین رقبای سال ۲۰۰۳ با حمایت از حمله آمریکا به عراق، تلاش کرد تا از شر رژیم صدام خلاص شود، اما همزمان نگران قدرت‌گیری شیعیان نزدیک به ایران شد.

ترکیه نیز نقش مشابهی ایفا کرده است. آنکارا، که تا پیش از ۲۰۰۳ نقش حاشیه‌ای در روابط ایران-عراق داشت، پس از سقوط صدام، عرصه عراق را به مثابه فرصتی برای گسترش نفوذ خود دید. ترکیه با حمایت از اقلیم کردستان و گروه‌های سنی، مانند کمک به ائتلاف العراقیه و تقویت روابط با مسعود بارزانی، تلاش کرده تا نفوذ ایران در عراق را کاهش دهد. تحقیقات مؤسسه سیاست خارجی (FPRI, 2025) تا سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که ترکیه با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی مانند خطوط لوله انرژی، عراق را به سمت وابستگی بیشتر به خود کشانده است. این امر سبب دوری بیشتر عراق از ایران و تأکید بغداد بر چالش‌هایی مانند اختلاف بر سر منابع آب و استقلال از ایران شده است.

اسرائیل، به عنوان یک بازیگر کلیدی دیگر نیز تأثیرات مشابه داشته است. اسرائیل از حمله ۲۰۰۳ به عراق حمایت کرد زیرا آن را سکویی برای فشار بر ایران می‌دید. مقامات اسرائیلی مانند شائول موفاز و افرایم هالوی، حمله به عراق را فرصتی برای

ایجاد "موج‌های شوک" در تهران توصیف کردند. پس از آن، تل‌آویو با لابی‌گری در واشنگتن و حمایت از گروه‌های مخالف ایران در عراق، تلاش کرد تا نفوذ تهران را محدود کند. جنگ‌های اخیر، مانند درگیری‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵ بین ایران و اسرائیل، تأثیر غیرمستقیم بر عراق داشت؛ زیرا حملات اسرائیل به مواضع ایرانی در سوریه و عراق، بغداد را در موقعیت دشواری قرار داد و روابط با تهران را تحت فشار امنیتی گذاشت. امارات متحده عربی، مصر و اردن نیز در کم و کیف روابط ایران - بغداد نقش دارند. امارات با سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در عراق، مانند پروژه‌های بازسازی در جنوب، تلاش کرده تا بغداد را از مدار ایران خارج کند (International Crisis Group, 2024). علی‌رغم تأثیرات منفی محیط منطقه بر همکاری مشترک متقابل ایران و عراق، فرصت‌هایی مانند آغاز و گسترش همکاری بین مناطق آزاد تجاری به کشورهای مجاور مانند عربستان سعودی و کویت وجود دارد که در مراحل بعدی می‌توان کشورهای چون قطر، بحرین را نیز به آن اضافه کرد. هرچند لازمه این امر خواست مشترک دولت ایران و عراق است.

✓ سیاست دولت‌های فرامنطقه‌ای به مثابه عاملی بازدارنده در تعمیق روابط ایران و

عراق: ایالات متحده، به عنوان قدرت برتر پس از جنگ سرد، با حمله به عراق در ۲۰۰۳، زمینه‌ساز تغییرات اساسی شد. این حمله، که بخشی از «طرح خاورمیانه بزرگ» برای ترویج دموکراسی بود، ناخواسته نفوذ ایران را در عراق افزایش داد، اما همزمان موجب رقابت شدیدی بین ایران - آمریکا در عراق شد. آمریکا با حضور نظامی تا ۲۰۱۱، و سپس بازگشت در ۲۰۱۴ برای مبارزه با داعش، عراق را به عرصه‌ای برای مقابله با ایران تبدیل کرد. پس از شکست داعش در عراق، واشنگتن با تحریم گروه‌های نزدیک به ایران مانند حشد الشعبی، و ترور چهره‌هایی مانند قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در ۲۰۲۰، نفوذ تهران را هدف گرفت و به مقابله با آن برخاست. اقدامات آمریکا علیه ایران در عراق در دولت نخست ترامپ، بخشی از استراتژی «فشار حداکثری» او بود که تأثیر منفی‌ای بر روابط ایران-عراق

بر جای گذاشته است. برای مثال تحت فشارهای آمریکا، عراق مجبور به رعایت تحریم‌های آمریکا علیه ایران شده به گونه‌ای که این کشور قادر نیست بدهی‌های انرژی خود به ایران را پرداخت کند.

پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق در ۲۰۱۱، اوپاما با تمرکز بر چندجانبه‌گرایی، حضور غیرنظامی آمریکا در عراق را حفظ کرد. پس از تسلط داعش بر بخش‌هایی از عراق در سال ۲۰۱۴، با درخواست عراق، نیروهای نظامی آمریکا به عراق برگشت و این برگشت دوباره فرصتی برای کاستن از نفوذ ایران در عراق در اختیار واشنگتن گذاشت. آمریکا با شرط کمک به عراق برای تشکیل دولت فراگیر، نخست‌وزیر نوری المالکی (فرد نزدیک به ایران) را کنار زد و حیدر العبادی را روی کار آورد. در دوران بایدن، گفتگوهای استراتژیک ۲۰۲۰-۲۰۲۱ منجر به کاهش نیروهای عملیاتی آمریکا شد، اما حضور آموزشی آمریکا و تحریم‌های اقتصادی آن بر گروه‌های طرفدار ایران ادامه یافت. گزارش‌های پیو ریسرچ نشان می‌دهد که این سیاست‌ها، با هزینه‌های هنگفت برای آمریکا (بیش از ۱,۵ تریلیون دلار)، عراق را خسته کرده است. زیرا آمریکا روابط عراق با ایران را به عنوان یک «تهدید» در نظر می‌گیرد که نتیجه آن، محدود شدن همکاری‌های تهران-بغداد در بسیاری از عرصه‌ها بوده است (Pew Research Center, 2023 and 2025). در پایان این بخش باید گفت که قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با رقابت برای نفوذ در عراق، اعمال فشار و حمایت از گروه‌های مخالف ایران در عراق، روابط تهران-بغداد را از پتانسیل اتحاد استراتژیک به سمت توازن و محدودیت سوق داده‌اند. این تأثیرات منفی، عراق را مجبور به مانور بین قدرت‌ها کرده و فرصت‌های همکاری دو کشور را کاهش داده است. در واقع باید گفت که تحولات یک سال گذشته - از سقوط بشاراسد در سوریه و تضعیف محور مقاومت تا بازگشت ترامپ و حمله رژیم اسرائیل به ایران - تأثیرات منفی عوامل خارجی (منطقه‌ای و بین‌المللی) را تشدید کرده و به نظر می‌رسد ادامه‌دار باشد. قدرت‌های منطقه‌ای رقیب جمهوری اسلامی ایران، از ضعف تهران برای جذب اقتصادی و سیاسی عراق استفاده می‌کنند. آمریکا با اعمال تحریم‌ها علیه

ایران و نیز تشدید فشارها بر گروه‌های نزدیک به ایران در عراق، عملاً نفوذ تهران را هدف گرفته است. سیاست دولت دوم ترامپ با تمرکز بر «انزوای ایران»، عراق را به «انتخاب اجباری» وادار کرده است. روند تحولات نشان می‌دهد که هرچند خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق نفوذ ایران را افزایش داد اما اعمال تحریم‌های آمریکا بر ایران و گروه‌های عراقی متمایل به تهران، نفوذ یاد شده را کاهش داده و بغداد را به کشوری «وسط‌گیر» تبدیل کرده است (NYT, 2024).

۷. راهبردهای پارادایلماتیک براساس علایق و نگرانی‌ها

۷-۱. راهبرد مبتنی بر بهره‌گیری از علایق

علایق مشترک می‌تواند نقطه آغازین برای همکاری دو منطقه آزاد تجاری اروندرود و الزبیر در بصره باشد. اشتراکات تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و حتی اقتصادی و اداری می‌تواند به رسیدن به یک زبان و فهم مشترک از ضرورت همکاری متقابل کند و سبب رفع سوءظن‌ها و بدبینی‌های احتمالی منجر شود.

جدول (۱): راهبردهای مبتنی بر علایق

راهبردهای مبتنی بر علایق مشترک		
عنوان راهبرد	اهداف	برنامه های پیشنهادی براساس پارادایلماسی
راهبرد تقویت همکاری‌های فرهنگی و گردشگری	ترویج تبادلات فرهنگی، هنری، و گردشگری بین اروند و بصره، با هدف تقویت پیوندهای فرهنگی و ایجاد فرصت‌های شغلی در صنعت گردشگری	تنظیم قوانین رفت و آمد بین دو منطقه، ایجاد زیرساخت های گردشگری در دو منطقه، ایجاد پل دوستی بر اروند برای تسهیل رفت و آمد روزمره
راهبرد توسعه همکاری‌های آموزشی و پژوهشی	ارتقای کیفیت آموزش و توسعه فناوری‌های جدید	ایجاد برنامه‌های تبادل دانشجو و استاد بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی اروند و بصره، ایجاد یک مرکز آموزش عالی مشترک در منطقه
راهبرد مدیریت مشترک استخراج منابع زیر زمینی	ایجاد سازوکارهای همکاری برای مدیریت منابع آب و حفظ محیط زیست	ایجاد کارگروه مشترک محیط زیست برای نظارت بر فعالیت شرکت های نفت و گاز، تعریف قوانین مشترک لازم الاجرا، تعریف سازوکارهای مشترک کاستن از آلاینده ها
راهبرد گسترش همکاری با دیگر همسایگان	جذب مشارکت کویت، عربستان و ترکیه هم در سرمایه گذاری و نیز به عنوان طرف های منتفع از توسعه این منطقه	ارائه طرح های ترانزیتی برای تسهیل ترانزیت کالا و خدمات به ترکیه و حتی سوریه و اردن از مبدا خلیج فارس
راهبرد تنظیم فعالیت‌های اقتصادی	ایجاد مزیت‌های رقابتی اقتصادی برای دو طرف	خنثی سازی تاثیرات اقتصاد تک محصولی بر مناسبات، ایجاد بازارچه های مشترک.

راهبرد تنظیم ترانزیت و مسیرهای ارتباطی	یکپارچه کردن حمل و نقل در سراسر دو منطقه آزاد و در تعامل با محیط پیرامون	بازسازی جاده‌ها و مسیرهای مواصلاتی، ایجاد استاندارد و کیفیت واحد برای جاده‌ها قوانین، تابلوها و زبان تابلوها، فعال سازی ناوگان حمل و نقل دریایی میان دو طرف
--	--	---

۲-۲. راهبردهای مبتنی بر نگرانی‌های مشترک

همان‌گونه در متن به تفصیل بررسی شد دو منطقه آزاد اروند و خورالزبیر دارای نگرانی‌های ژئوپلیتیکی مشترک هستند. برخی از این نگرانی‌ها برخاسته از محیط پیرامونی و شماری دیگر درونی هستند. از این‌رو، راهبردهای مناسب برای این حوزه باید با محوریت غلبه به نگرانی‌های مشترک درونی و کم اثر کردن نگرانی‌های محیطی پیرامونی تدوین شوند:

جدول (۲): راهبردهای مبتنی بر نگرانی‌ها

راهبردهای مبتنی بر نگرانی‌های مشترک		
عنوان راهبرد	اهداف	برنامه‌های پیشنهادی براساس پارادایم‌سازی
راهبرد مدیریت منابع آب و شیلات	همکاری در مدیریت منابع آب، محیط‌زیست، و شیلات در منطقه اروند-بصره، با هدف حفظ تنوع‌زیستی و جلوگیری از آلودگی	تعریف پروژه در زمینه لایه‌روبی رودخانه، تعریف حریم تالاب‌ها؛ تعیین ماه‌های صید ماهی؛ ایجاد آب بندها بر دهنه رودها به خلیج فارس
راهبرد مدیریت مرزهای و مسائل امنیتی	جلوگیری از سرایت مسائل امنیتی مرزی به مناطق هم‌جوار	تشکیل کمیته استانی مدیریت مسائل مرزی و کمیته امنیتی، تامین مالی پروژه‌های نظارت هوشمند بر مرزها، ایجاد کمیته‌های مطالعاتی در دو سوی مرز برای تمرکز بر چالش‌های امنیتی

۸. نتیجه‌گیری

از آنجایی که ایران و عراق مرزی طولانی با یکدیگر دارند و بعد از سقوط صدام حسین بستر مناسبی برای همکاری تهران - بغداد شکل گرفته است دغدغه این پژوهش این بود که چگونه می‌توان همکاری و همگرایی بین دو منطقه آزاد اروند و الزبیر را تقویت کرد. پاسخ به این سوال امکان‌پذیر نبود مگر اینکه علایق و نگرانی‌های دو سوی مرز شناسایی شوند. نگارنده از طریق مطالعه محیط دو منطقه یاد شده توانست علایق و نگرانی‌های مشترک دو منطقه شناسایی کند. در گام بعد نگارنده به این موضوع پرداخت که می‌توان چه راهبردهایی مبتنی بر پارادایم‌سازی پیشنهاد داد که علایق و نگرانی‌ها را پوشش داده و در جهت تقویت همکاری معرفی و بکار گرفته شوند. در راستای این هدف، تلاش شد راهبردهای ارتقای همکاری بین

دو منطقه آزاد اروند و منطقه آزاد خورالزبیر که مسئله اصلی پژوهش بود استخراج کردند. بر این اساس دو دسته راهبرد کلان ارائه شدند که هریک شامل اهداف و برنامه هستند.

۹. تشکر و قدردانی

در پایان، ضروری است از دانشگاه تربیت مدرس، به طور خاص گروه جغرافیای سیاسی، اساتید محترم گروه علی‌الخصوص استاد ارجمند جناب آقای دکتر حافظ‌نیا، همین‌طور کارمندان زحمتکش و صبور دانشگاه و تمام عزیزانی که در انجام این پژوهش مرا یاری کردند، مراتب تشکر و قدردانی خود را ابراز کنم.

۱۰. تعارض منافع

این پژوهش برگرفته از رساله دکتری اینجانب زیاده‌الله سلیمانی بوده و توسط هیچ نهاد یا فردی تامین مالی نشده و حقوق آن برای دانشگاه تربیت مدرس محفوظ می‌باشد.

References

1. Al-Bazi, Hamed (1969). Al-Basrah in the dark period, second edition in 2019, Beirut, Dar Al-Fiha. **[In Arabic]**
2. Al-Hamdani, Tariq (2017). Basra Province; A study of political, administrative and economic histories of 1534-1638, Baghdad: Adnan School. **[In Arabic]**
3. Altai, Sadegh (2023). "Talib al-Naqeeb: Faisal al-Awl's rival", Al-Quds al-Arabi, online available at: <https://www.alquds.co.uk/Talib-al-Naqib-Ashras-Monafs-Faisal-Al-Awl>. **[In Arabic]**
4. Ayan Al-Abasi, Abdul Qadir (1970). Encyclopedia of History of Basra, Baghdad: Al-Times Publishing Company and Al-Nashr al-Hashemiyya. **[In Arabic]**
5. Betsill, M. M; Bulkeley, H. (2006). Cities and the Multilevel Governance of Global Climate Change. *Global Governance*, 12(2), 141-159. <http://www.jstor.org/stable/27800607>.
6. Dehshiri, Mohammad Reza. (2014). Paradiplomacy in the Age of Globalization: A Case Study of Urban Diplomacy. *Strategic Studies of Public Policy*, 4(13), 34-54. **[In Persian]**
7. Gilvaei, Hassan; Shushtari, Zahra (2010). "The Link between Economic Action and the Religious-Ethnic Identity of the Sabians: The Case of Sabian Goldsmiths and Enamellers in Ahvaz", *Iranian Journal of Social Studies*, Volume 14, Issue 3: pp. 103-119. **[In Persian]**
8. International Crisis Group. (2024). Iraq: Staving off instability in the near and distant futures. <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iraq/iraq-staving-instability-near-and-distant-futures>.
9. Karimipour, Yadollah; Karimipour, Kowsar (2004). "The Arabs of Iran; Divergence or Convergence", *Journal of Geographical Research*, Issue 124: pp. 183-202. **[In Persian]**
10. Keck, Margaret E; Sikkink, Kathryn (2014). *Activists beyond Borders*, Cornell University Press; This Edition: 1st (January 3rd 2014) (original: 1998).
11. Khaleghinejad, Maryam; Sa'i, Ahmad; Ashraf Nazari, Ali (2010). Paradiplomatic Regionalism with Emphasis on Cultural Iran, *Political Research of the Islamic World*, Year 10, Issue 4, pp. 49-70. **[In Persian]**
12. Malik, H. (2025). Narrative intelligence: Decoding Iran's influence campaigns in Iraq. Foreign Policy Research Institute. <https://www.fpri.org/article/2025/08/decoding-iran-influence-iraq/>.
13. Momeni, Majid Reza; Rahimi, Azadeh; Gheibizadeh, Nasrin. (2016). Paradiplomacy and its Application in Border Cities; A case study of West Azerbaijan, *International Research Quarterly*, 6(21), 53-78. **[In Persian]**

14. Pew Research Center. (2023). 20 years after Iraq War began, a look back at U.S. public opinion. <https://www.pewresearch.org/politics/2023/03/14/a-look-back-at-how-fear-and-false-beliefs-bolstered-u-s-public-support-for-war-in-iraq/>.
15. Pew Research Center. (2025). How U.S. public opinion has changed in 20 years of Pew Research Center surveys. The Pew Charitable Trusts. <https://www.pew.org/en/trust/archive/winter-2025/how-us-public-opinion-has-changed-in-20-years-of-pew-research-center-surveys>.
16. Ramadan, Mushtaq (2023). "Decreasing the number of al-Saba'a in Iraq to at least 8 thousand", Rudaw, online available at: <https://www.rudawarabia.net/arabic/middleeast/iraq/251220231>. **[In Arabic]**
17. Rubin, Alissa J. (2024). Available at: As U.S.-Iran Conflict Builds Across Mideast, Iraq Is Caught in Middle, <https://www.nytimes.com/2024/07/30/world/middleeast/us-iran-iraq.html>.
18. Sa'i, Ahmad; Khaleghinejad, Maryam; Ashraf Nazari, Ali; Tavassoli Roknabadi, Majid (2010). Cultural Capacities of Transboundary Paradiplomacy of Countries in the Cultural Iran Area, Journal of Intercultural Studies, Volume 15, Issue 42, pp. 117-148. **[In Persian]**
19. Sourì Anari, Hossein (2022). The Necessity of Paradiplomacy in Neighborhood Policy with the South Caucasus, Nasr Monthly, Azerbaijan, Issue 3, pp. 6-9. Available at: <https://magazine.nasrnews.ir/3/mobile/index.html>. **[In Persian]**
20. Tang, S.M. (2025). The Iran-Israel conflict: Geopolitical implications for the Middle East. RSIS Commentaries. <https://rsis.edu.sg/rsis-publication/rsis/the-iran-israel-conflict-geopolitical-implications-for-the-middle-east/>.
21. Towns, A.E. (2010). "Cities, States and Foreign Policy: A Review of Paradiplomacy Research." International Studies Review, 12(4), 616–642.
22. Where is Iraq Heading? Lessons from Basra” (2007). International Crisis Group, Middle East Report.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

